



Classification of Governance Features through Policy Networks Using Meta-synthesis Method

Zohreh Karimmian

PhD Candidate, Department of Industrial Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: karimmian@ut.ac.ir

Mehdi Mohammadi

*Corresponding author, Assistant Prof., Department of Industrial Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: memohammadi@ut.ac.ir

Seyed Sepehr Ghazinoori

Prof., Department of Information Technology Management, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran. E-mail: ghazinoory@modares.ac.ir

MohammadMahdi Zolfagharzadeh Kermani

Assistant Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: zolfaghar@ut.ac.ir

Abstract

Objective: From the perspective of governance, the concept of “policy network” focuses on inter-organizational relations, structures, processes, and interactions that policy-making process takes place through them. In public policy literature, this approach to policy networks is based on studying governance through policy networks. This article, provides a comprehensive classification of the features of this type of governance using meta-synthesis method. The purpose of this paper is to identify and classify governance features through policy networks.

Methods: In this study, 468 related articles and researches conducted between 1970 and 2018 were selected from the Web of Science citation index. Finally, 55 articles were evaluated for the purpose of the study using the meta-synthesis method and selection criteria. This research is qualitative and is conducted within the interpretive paradigm with the aim of exploring the features of governance through policy networks. This is an applied research in terms of purpose. It is also a cross-sectional study in terms of data collection.

Results: The features of this kind of governance (Governance through Policy Networks) can be divided into four general categories of "promoting coordination, coherence and integration", "strengthening communications, building trust and increasing participation", "policy learning improvement", and "facilitating policy implementation".

Conclusion: It is concluded that the researchers have conducted more studies regarding the two aspects of "promoting coordination, coherence and integration", "strengthening communications, building trust and increasing participation". Considering the importance of policy learning and policy implementation issues, future research can pay more attention to the two dimensions of "policy learning improvement", and "facilitating policy implementation". And finally, the findings of this study can be used to apply new approaches for improving governance in various policy areas.

Keywords: Policy network, Governance, Governance through policy networks, Meta-synthesis.

Citation: Karimmian, Z., Mohammadi, M., Ghazinoori, S.S., & Zolfagharzadeh Kermani, M.M. (2019). Classification of Governance Features through Policy Networks Using Meta-synthesis Method. *Journal of Public Administration*, 11(3), 377-402. (in Persian)

Journal of Public Administration, 2019, Vol. 11, No.3, pp. 377-402

DOI: 10.22059/jipa.2019.284439.2581

Received: January 29, 2019; Accepted: May 23, 2019

© Faculty of Management, University of Tehran



طبقه‌بندی ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی با استفاده از روش فراترکیب

زهره کریم‌میان

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: karimmian@ut.ac.ir

مهدی محمدی

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: memohammadi@ut.ac.ir

سید سپهر قاضی نوری

استاد، گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: ghazinoory@modares.ac.ir

محمد مهدی ذوالفقارزاده کرمانی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: zolfaghar@ut.ac.ir

چکیده

هدف: این مقاله با بهره‌گیری از روش فراترکیب، به دنبال ارائه دسته‌بندی جامعی از ویژگی‌های حکمرانی در مطالعات این حوزه است.

روش: روش فراترکیب، انتخاب ۴۶۸ مقاله و پژوهش مرتبط در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ از نمایه استنادی Web of Science است که با به‌کارگیری این روش در نهایت ۵۵ مقاله نهایی مبنای استخراج یافته‌ها قرار گرفتند. این پژوهش، کیفی بوده و در پارادایم تفسیرگرایی با هدف اکتشاف ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی انجام شده و از دیدگاه هدف، پژوهشی کاربردی است. همچنین جمع‌آوری داده‌ها از نظر زمان پژوهشی مقطعی است.

یافته‌ها: ویژگی‌های این رویکرد جدید به حکمرانی (حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی) را می‌توان در چهار دسته کلی «ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی»، «تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت»، «افزایش یادگیری خط‌مشی» و «تسهیل پیاده‌سازی خط‌مشی‌ها» جای داد. همچنین هر یک از این چهار دسته، زیربخش‌هایی دارند.

نتیجه‌گیری: درباره موضوعات «ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی» و «تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت»، محققان پژوهش‌های بیشتر و متنوع‌تری داشته‌اند و درباره موضوعات «افزایش یادگیری خط‌مشی» و «تسهیل پیاده‌سازی خط‌مشی‌ها» پژوهش کمتری انجام داده‌اند و ابعاد مختلف آنها دیده نشده است. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوعات یادگیری خط‌مشی و پیاده‌سازی خط‌مشی‌ها، پژوهش‌های آتی می‌توانند به دو بعد اخیر توجه بیشتری داشته باشند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند برای به‌کارگیری رویکردهای جدید در راستای بهبود حکمرانی در حوزه‌های خط‌مشی مختلف مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: شبکه خط‌مشی، حکمرانی، حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی، فراترکیب.

استناد: کریم‌میان، زهره؛ محمدی، مهدی؛ قاضی نوری، سیدسپهر؛ ذوالفقارزاده کرمانی، محمد مهدی (۱۳۹۸). طبقه‌بندی ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی با استفاده از روش فراترکیب. مدیریت دولتی، ۱۱(۳)، ۳۷۷-۴۰۲.

مدیریت دولتی، ۱۳۹۸، دوره ۱۱، شماره ۳، صص. ۳۷۷-۴۰۲

DOI: 10.22059/jipa.2019.284439.2581

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹، پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی یکی از رویکردهای جدید حکمرانی است که به‌ویژه در حوزه مسائلی با ذی‌نفعان و وابستگی‌های متقابل در حوزه‌های پیچیده و افقی، کاربرد روزافزونی پیدا کرده است. حکمرانی اصطلاحی است که اغلب برای توضیح تغییرات در ماهیت و نقش دولت در پی اصلاحات بخش عمومی که به جابه‌جایی از بوروکراسی سلسله‌مراتبی به سمت به‌کارگیری بیشتر بازارها، شبه‌بازارها و شبکه‌ها، به‌ویژه در ارائه خدمات عمومی منجر شده، به‌کار می‌رود (پور^۱، ۲۰۰۸). در حالتی کلی‌تر، حکمرانی می‌تواند برای معرفی تمام الگوهای راهبری به‌کار رود. این کاربرد کلی حکمرانی به نظریه‌پردازان کمک می‌کند تا تحلیل‌های انتزاعی ساخت‌نظم‌های اجتماعی، هماهنگی اجتماعی و تجارب اجتماعی را بدون توجه به بافتار آنها ارائه کنند. بنابراین، مفهوم حکمرانی، بیانگر مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها و نهادهایی است که به‌وسیله آنها به‌طور رسمی و غیررسمی به اداره فرایند توسعه و رفع تعارضات پرداخته می‌شود (دباغ و نفری، ۱۳۸۸). حکمرانی فرایندی است که از طریق آن جوامع یا سازمان‌ها، تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ کرده و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را انجام دهند (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). طی زمان، سیاستمداران و اندیشمندان حوزه خطمشی‌گذاری در رابطه با اینکه فرایند تصمیم‌گیری خطمشی، عموماً درگیری بین نقش‌آفرینان مختلف است، به توافق زیادی رسیدند و این توافق به جست‌وجوی روش‌های جدید حکمرانی کردن^۲ و بحث درباره حکمرانی منجر شده است (رودز^۳، ۱۹۹۶). از این دیدگاه به‌کارگیری شبکه‌های خطمشی به‌عنوان یک روش حکمرانی توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است. مفهوم شبکه خطمشی، می‌تواند زمینه و عواملی را که به خطمشی‌گذاری یکپارچه منجر می‌شود، دنبال کرده و از این نظر به‌عنوان روابط بین سازمانی، بر ساختار و فرایندهایی که خطمشی سازمان می‌یابد، تمرکز کند که به‌معنای حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی است. در حقیقت، شبکه خطمشی به‌عنوان شکل جدیدی از حکمرانی در نظام سیاسی عمل می‌کند (قلی‌پور، دانایی فرد، عطاردی، امیری، ۱۳۹۴). به‌طور خاص در سال‌های اخیر، به نقشی که شبکه‌های خطمشی می‌توانند در روند رو به رشد «اشکال چندمرکزی^۴ حکمرانی» ایفا کنند، بیشتر توجه شده است (بوراس^۵، ۲۰۰۸). از دیدگاه رودز (۱۹۹۶)، اشکال شبکه‌ای حکمرانی، آرایش‌های سازمانی هستند که منابع عمومی و خصوصی را ترکیب می‌کنند و شامل تعاملاتی هستند که ریشه در اعتماد و قوانینی دارد که توسط اعضای شبکه مذاکره و پذیرفته می‌شوند و به میزان مشخصی جامعه مدنی را وارد تصمیم‌گیری عمومی می‌کند. سالازار و هولبروک^۶ (۲۰۰۷) خصلت اساسی آن را هماهنگی مبتنی بر همکاری، اجماع و دوجانبه بودن می‌دانند.

در این مقاله، با توجه روندهای بین‌المللی در خصوص گسترش به‌کارگیری شبکه‌های خطمشی برای حکمرانی و نیازی که به شناخت کامل و دقیق این نوع حکمرانی برای مواجهه با آن وجود دارد و همچنین نظر به پراکنده بودن

1. Bevir
3. Rhodes
5. Borrás

2. Governing
4. Multi centric
6. Salazar & Holbrook

ادبیات حول ابعاد مختلف آن و در نتیجه نبود چارچوبی جامع برای تحلیل این نوع از حکمرانی، چارچوبی جامع ارائه شده که بتواند مبنای درک و تحلیل نظری این مسئله و همچنین به‌کارگیری این رویکرد در حوزه‌های خطمشی مختلف در کشور شود. بر این اساس، در ابتدا مفاهیم مرتبط با شبکه‌های خطمشی بررسی شده و در رابطه با رویکردهای مختلف به شبکه‌های خطمشی مطالعه شده است. در نهایت، از رویکرد حکمرانی به شبکه‌های خطمشی برای انجام فراترکیب و استخراج ویژگی‌ها استفاده شده است. به این ترتیب، با استفاده از روش متاستنتز دلالت‌هایی که به‌کارگیری شبکه‌های خطمشی برای حکمرانی دارد در قالب ویژگی‌های این نوع از حکمرانی استخراج شده و در نهایت مضامین مستخرج از ادبیات به شکل‌گیری چارچوبی برای تحلیل و توصیف این رویکرد به حکمرانی منجر می‌شوند.

پیشینه نظری

محققان، برای یافتن مسیر شبکه‌های خطمشی در ادبیات خطمشی‌گذاری عمومی، پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند. کلیجن و کوپنجان با بررسی تغییر رویکرد به سمت شبکه‌های خطمشی در ادبیات خطمشی‌گذاری عمومی، این تغییر را در امتداد دو رویکرد اصلی پیشین در این حوزه شناسایی کرده‌اند. آنها این مسیر را از «اداره امور عمومی سنتی» به «مدیریت عمومی نوین» و در نهایت تحقق «رویکرد شبکه‌های حکمرانی» ترسیم می‌کنند (کوپنجان و کلیجن^۱، ۲۰۱۵). پاول، شبکه خطمشی را به‌عنوان شکل سوم مناسبات اجتماعی دولت و مردم در برابر سلسله‌مراتب و بازار تعریف می‌کند که برخلاف سلسله‌مراتب و بازار که به‌ترتیب بر اساس رابطه تابع و متبوع و سودجویی عقلایی قرار دارند، اساس خود را تعاملات افقی و همکاری قرار می‌دهد (پاوول^۲، ۱۹۹۰). شبکه خطمشی برای شناخت تأثیر متقابل شرکت‌ها، مسئولان بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی در فرایند توسعه نهادی در سطح ملی و بین‌المللی، مفهومی مفید است. شبکه‌ها تعامل، تصمیم‌گیری، همکاری و یادگیری را تسهیل می‌کنند، زیرا منابع لازم از قبیل الگوهای تعامل، قواعد و صورت‌های سازمانی مشترک و گاه حتی زبانی مشترک برای حمایت از این فعالیت‌ها را فراهم می‌کنند. فرایندهای خلق شده به‌وسیله شبکه‌های خطمشی تعاملی‌تر و مؤثرتر بوده و به این دلیل حمایت عمومی بیشتری را کسب می‌کنند (کلیجن، کوپنجان و ترمیر^۳، ۱۹۹۵).

بورزل^۴ (۱۹۹۸)، در رابطه با شبکه خطمشی بین ادبیات انگلوساکسون و آلمانی تمایز قائل می‌شود. ادبیات انگلیسی چگونگی ارتباط گروه‌های ذی‌نفع با دولت را تعیین می‌کند ولی در ادبیات آلمانی شبکه‌ها، به‌عنوان شیوه‌های حکمرانی مطرح می‌شوند. در آغاز نظریه‌پردازی، در رابطه با شبکه بر پیوند بین دولت و بخش کسب‌وکار تأکید می‌شد، اما با گذشت زمان این مفهوم گسترش یافت و سایر کنشگران اجتماعی را در بر گرفت. با وجود این، هنوز همه مطالعات بر این باور نیستند که کنشگران غیردولتی یک مؤلفه اساسی از شبکه‌های خطمشی هستند. رودز (۱۹۹۷)، اغلب فقط بر پیوند بین کنشگران دولتی تأکید دارد و بر این باور است که شبکه‌ها را بیشتر می‌توان در اجرای خطمشی‌ها تا تدوین خطمشی‌ها

1. Koppenjan & Klijn
3. Termeer

2. Powell
4. Börzel

یافت. اما بیشتر محققان، شبکه‌ها را به‌عنوان یک مدل میانجی‌گری گروه‌های ذی‌نفع می‌دانند که می‌توانند در مراحل تدوین و اجرای خطمشی‌ها پیدا شوند.

شبکه‌های خطمشی‌گذاری در حکمرانی مسائل خطمشی پیچیده که نمی‌تواند به یک نقش‌آفرین به‌خصوص محول شود ظهور یافته‌اند. تمرکز پژوهش‌های این حوزه نیز بر «شکل‌دهی به قوانین، ترجیحات و منابعی متمرکز است که دستاوردهای سیاسی را شکل می‌دهند». چنانچه این رویکرد به شبکه‌های خطمشی مد نظر باشد، تحقق حکمرانی شبکه‌ای از طریق شبکه‌های حکمرانی‌کننده به پاسخ‌گویی به مسائل خطمشی پیچیده منجر خواهد شد (لسی، مرگل و اشمیتز^۱، ۲۰۱۴)، مسائلی که هزینه شکست برای پاسخ به آنها بالا است و تعداد زیادی از بازیگران برای حل آنها مسئولیت دارند و در حل مسائل پیچیده و ایجاد سرمایه اجتماعی در میان بازیگران مؤثر هستند (دقتی، یعقوبی، کمالیان، و دهقانی، ۱۳۹۸). آنچه شبکه‌های خطمشی را به مفهومی خاص تبدیل می‌کند، این است که راه‌حلی برای مسائل اقدام جمعی ارائه داده و کارآمدی و مشروعیت خطمشی‌گذاری را دنبال می‌کنند (کاپوکو، هو و خوسا^۲، ۲۰۱۷). در ادبیات شبکه‌های خطمشی، می‌توان تحلیل را بر مبنای دو محور اصلی انجام داد (بورزل، ۱۹۹۷): ۱. تحلیل کمی شبکه در مقابل تحلیل کیفی و ۲. شبکه‌های خطمشی به‌عنوان نوعی میانجی‌گری منافع در مقابل شبکه‌های خطمشی به‌عنوان شکل خاصی از حکمرانی.

مفهوم شبکه خطمشی می‌تواند به‌عنوان یک استعاره یا یک ابزار تحلیلی به‌عنوان یک نظریه یا شیوه‌ای برای تحلیل ساختار اجتماعی در نظر گرفته شود (سالازار و هولبروک، ۲۰۰۷). در حقیقت شبکه خطمشی در دو معنا به‌کار گرفته می‌شود، یکی به‌مثابه یک مدل یا مفهوم تحلیلی و دیگری رویکردی نظری و ساختاری. همچنین شبکه‌های خطمشی را می‌توان به‌عنوان یک گونه از میانجی‌گری منافع یا شکل خاصی از حکمرانی در نظر گرفت. تفاوت این رویکردها در جدول ۱ نشان داده شده است (بورزل، ۱۹۹۷).

جدول ۱. رویکردهای شبکه‌های خطمشی

رویکرد مکتب «میانجی‌گری منافع»	رویکرد مکتب «حکمرانی»	
شبکه‌های خطمشی به‌عنوان یک گونه از روابط جامعه / دولت	شبکه‌های خطمشی به‌عنوان یک مدل برای بررسی اشکال غیرسلسله‌مراتبی تعامل فعالان دولتی و خصوصی در خطمشی‌گذاری	شبکه‌های خطمشی در نقش یک ابزار تحلیلی
ساختار شبکه‌های خطمشی به‌عنوان تعیین‌کننده فرایند و نتایج خطمشی	شبکه‌های خطمشی به‌عنوان شکل خاصی از حکمرانی (رویکرد این مقاله)	شبکه‌های خطمشی در نقش رویکردی نظری

منبع: بورزل (۱۹۹۷)

اگر شبکه را مدل تحلیل خطمشی بینیم، توجه ما به تعاملات میان چندین سازمان از هم مجزا، اما به هم وابسته جلب می‌شود که اقدامات یکدیگر را از طریق به هم وابستگی منافع و منابع هماهنگ می‌کنند. اما کاربرد شبکه در حد

1. Leczy, Mergel & Schmitz
2. Kapucu, Hu & Khosa

مفهوم تحلیلی کامل نیست و واحد تحلیل از یک بازیگر به مجموعه‌ای از روابط میان بازیگران تغییر یافته و به بیان دیگر از سطح یک بخش یا سازمان به کلیت شبکه انتقال می‌یابد. در حالی که مفهوم تحلیلی شبکه، زمینه و عواملی را دنبال می‌کند که به خطمشی‌گذاری یکپارچه منجر می‌شود. مفهوم شبکه در روابط بین سازمانی، بر ساختار و فرایندهایی تمرکز می‌کند که این خطمشی یکپارچه سازمان می‌یابد و این همان معنای حکمرانی است. در این حالت، شبکه خطمشی به‌عنوان شکل جدیدی از حکمرانی در نظام سیاسی عمل می‌کند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). از این دیدگاه، حکمرانی به‌کارگیری شبکه‌هایی است که تعاملات دولت با پیرامونش را گسترش می‌دهند (سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱). این نوع از حکمرانی به‌دلیل ویژگی‌های شبکه‌های خطمشی واجد مؤلفه‌های خاصی خواهد بود.

پیشینه تجربی

مبتنی بر پیشینه نظری مرور شده، مشخص شد این نوع از حکمرانی به‌دلیل ویژگی‌های شبکه‌های خطمشی دارای ویژگی‌های خاصی خواهد بود و مطالعات متعددی به آنها پرداخته‌اند. اغلب این مطالعات روی ویژگی یا دسته ویژگی خاصی تمرکز کرده و تلاش داشته‌اند تا ابعاد آن را به‌صورت جزئی‌نگر و دقیق تشریح کنند. برخی از مقاله‌ها بر جنبه‌های بیشتری تمرکز کرده و تلاش داشته‌اند به‌اهم، این ویژگی‌ها را با رویکردی چندجانبه بررسی کرده و به‌صورت جامع به موضوع بپردازند. با وجود این، با جست‌وجوهای صورت‌گرفته مشخص شد حتی منابعی که تلاش داشته‌اند رویکردی جامع به احصای این ویژگی‌ها داشته باشند به‌طور کامل موفق نبوده‌اند و منابع مختلف با یکدیگر هم‌پوشانی‌ها و افتراق‌هایی دارند. با بررسی این منابع مشخص شد ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی در ابعاد مختلف خطمشی از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد شبکه‌ای به حکمرانی است. تعدد نقش‌آفرینان، اهداف، اولویت‌ها و منافع آنان در حوزه‌های خطمشی مختلف و همچنین گستردگی این حوزه‌ها و در نتیجه توزیع شدن قدرت سیاسی و تمرکز تصمیم‌گیری از یک سو و پیچیده و چندبعدی بودن روزافزون مسائل خطمشی از سوی دیگر، اهمیت هماهنگی در سطوح مختلف آن و همچنین انسجام و یکپارچگی آمیخته‌های خطمشی را بیش از پیش نمایان می‌کنند. به‌طوری می‌توان ادعا کرد که مزیت اصلی این رویکرد در مقایسه با رویکردهای دیگر حکمرانی در همین ویژگی نهفته است. ماینترز^۱ (۱۹۹۳) ایجاد هماهنگی افقی و رودز (۱۹۹۶) و گلد اسمیت و اگرز^۲ (۲۰۰۵)، حذف موانع ارتباطی افقی و عمودی و در نهایت تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها برشمردند. گسترده‌شدن و پیچیده‌تر شدن ارتباطات در مقایسه با رویکردهای سلسله‌مراتبی توسط توبک و دوکاتل (۲۰۰۱) و تسهیل پیاده‌سازی خطمشی‌ها با ایجاد حمایت بین بازیگران مختلف درگیر در پیاده‌سازی خطمشی‌ها در تحقیقات میر و اتول^۳ (۲۰۰۳)، کونته^۴ (۲۰۰۹) و ریکنه و لاستادیوس^۵ (۲۰۱۲) مطرح شده است. دامگارد (۲۰۰۶) معتقد است که اجتناب یا به حداقل رساندن هم‌پوشانی و

1. Mayntz
3. Meier & O'Toole
5. Rickne & Læstadius

2. Goldsmith & Eggers
4. Conteh

موازی‌کاری، به حداقل رساندن تضادهای سیاسی و بوروکراتیک، کمک به توافق بر اولویت‌ها و اجتناب از تناقضات خط‌مشی، به افزایش انسجام افقی توجه کرده‌اند.

با اینکه برخی منابع، بهبود پاسخ‌دهی را از ویژگی‌های این رویکرد برشمرده‌اند، در برخی از منابع، به دلیل تعدد و شفاف‌نبودن سهم هر یک از کانون‌های تصمیم‌گیری در این نوع از حکمرانی، بهبود پاسخ‌دهی و ارزیابی در آن با ابهاماتی روبه‌رو بوده است (سورنسن و تورفینگ^۱، ۲۰۰۷؛ یانگ^۲، ۲۰۰۷ و کیست، ماندل و براون^۳، ۲۰۰۶). براون (۲۰۰۸)، افزایش انسجام سلسله‌مراتبی (عمودی)، اتخاذ رویکرد جامع و «دولت کل» را ویژگی‌های این نوع از حکمرانی معرفی کرده است. تحریک و تقویت فرایندهای یادگیری جمعی (نویگ، گانتز و پل - ووستل^۴، ۲۰۱۰) و بهبود کمی و کیفی یادگیری خط‌مشی (کونینگهام و رامولگان^۵، ۲۰۱۲) نیز از سایر مواردی بوده است که به‌عنوان ویژگی‌های مرتبط در ادبیات برشمرده شده‌اند. از آنجا که تاکنون مطالعه جامع‌ای برای احصای کامل ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی صورت نگرفته است، این مقاله به دنبال آن است تا ویژگی‌هایی که در منابع معتبر برای این رویکرد برشمرده شده‌اند را به روشی نظام‌مند با به‌کارگیری روش فراترکیب احصا کند.

روش‌شناسی پژوهش

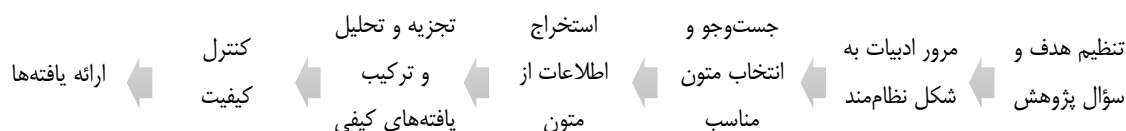
مفهوم فراترکیب

فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از سایر مطالعات کیفی مرتبط با موضوع و مشابه آن را بررسی می‌کند و با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای محققان، به کشف موضوعات جدید می‌پردازد (ثورن، جنسن، کرنی، نوبلیت و ساندلوسکی^۶، ۲۰۰۴). به بیان دیگر، رویکرد فراترکیب، نوعی روش تحقیق اکتشافی به‌منظور ایجاد و استخراج چارچوب مرجع مشترک برای نتایج تحقیقات گذشته است که تحقیقات کیفی مجزا را با فرایند ترجمه و ترکیب در سطحی انتزاعی گردآوری می‌کند. فراترکیب فرایند جست‌وجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر تحقیقات کیفی در یک حوزه خاص است (سهرابی، خلیلی و رودی، ۲۰۱۸). تحلیل محتوای کیفی می‌تواند با رویکرد قیاسی یا استقرایی انجام شود و انتخاب رویکرد مناسب بر اساس هدف پژوهش انجام می‌شود. بر این اساس، زمانی از رویکرد استقرایی استفاده می‌شود که درباره پدیده مد نظر، دانش پیشین کافی وجود ندارد یا دانش موجود منسجم نبوده و تکه تکه است. در مقابل، زمانی از رویکرد قیاسی استفاده می‌شود که ساختار تحلیل بر پایه دانش پیشین بنا نهاده شده است یا هدف مطالعه، آزمون نظریه است. در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی به‌کار برده شده است (تسلیمی و علی‌پور، ۱۳۹۸).

1. Sorensen & Torfing
3. Keast, Mandell & Brown
5. Cunningham & Ramlogan

2. Yang
4. Newig, Günther & Pahl-Wostl
6. Thorne, Jensen, Kearney, Noblit & Sandelowski

شناخته شده‌ترین الگوهای پیاده‌سازی روش فراترکیب شامل الگوی سه‌مرحله‌ای نوبلت و هیر^۱ (۱۹۸۸)، الگوی شش‌مرحله‌ای والش و داون^۲ (۲۰۰۵) و الگوی هفت‌مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو^۳ (۲۰۰۷) است. در این پژوهش الگوی ساندلوسکی و باروسو (شکل ۱) به کار گرفته شده است که در پژوهش‌های فراترکیب بیشترین استفاده را دارد.



شکل ۱. گام‌های متوالی روش فراترکیب

منبع: ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)

اعتبارسنجی مطالعات کیفی فراترکیب، به دو روش انجام‌شدنی است. نخست با استفاده از نظر خبرگان در تأیید دستاوردهای پژوهش و دوم با ارائه نتیجه‌ای جامع از مطالعه مبانی نظری و پژوهش‌های قبلی که با استفاده از مطالعات موردی جدید اثبات می‌شود (محسنی کیاسری، محمدی، جعفرزاده، مختارزاده و اسدی‌فرد، ۱۳۹۶). در این پژوهش از روش نخست برای تأیید دستاوردهای پژوهش استفاده شده است. برای ارزیابی پایایی پژوهش، علاوه بر محقق که به کدگذاری اولیه اقدام کرده، محقق دیگری همان متن را بدون اطلاع از کدهای او و جداگانه کدگذاری کرده است. در صورتی که کدهای این دو محقق به هم نزدیک باشد، توافق بالا بین این دو کدگذار را نشان می‌دهند که بیان‌کننده پایایی است (حاجی‌پور، موتمنی و طیبی‌ابوالحسنی، ۱۳۹۵). برای سنجش میزان توافق بین دو مرورگر یا رتبه‌دهنده از آزمون کاپا استفاده می‌شود. شاخص کاپا که به کاپای کوهن معروف است، قرارداد بین دو ارزیاب که هر یک موارد مختلف را در طبقات متعدد انحصاری مرتب کرده‌اند، اندازه‌گیری می‌کند (محسنی کیاسری و همکاران، ۱۳۹۶). مقدار کاپا بین صفر تا ۱ نوسان دارد. هرچه مقدار این سنج به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد وجود توافق بیشتری بین مرورگران را نشان می‌دهد. اما زمانی که مقدار کاپا به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، شاهد توافق کمتر بین دو مرورگر هستیم. در این بخش مراحل پیاده‌سازی روش فراترکیب در این تحقیق بیشتر تشریح شده است.

مرحله نخست: تنظیم پرسش تحقیق

برای تنظیم پرسش پژوهش از پارامترهای چه چیزی (What)، چه کسی یا جامعه مورد مطالعه (Who) و محدودیت زمانی (When) طبق جدول ۲ استفاده شده است.

1. Hare
2. Walsh & Downe
3. Barroso

جدول ۲. تنظیم پرسش پژوهش

پارامترهای پرسشی	پاسخ پرسش
چه چیزی	چارچوب حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی
جامعه مورد مطالعه	تمامی رشته‌ها، شاخه‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی و علمی موجود در پایگاه داده (از قبیل خط‌مشی‌گذاری عمومی، علوم سیاسی، مدیریت دولتی و غیره)؛ مجلات، فصول کتاب
محدودیت زمانی	از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸

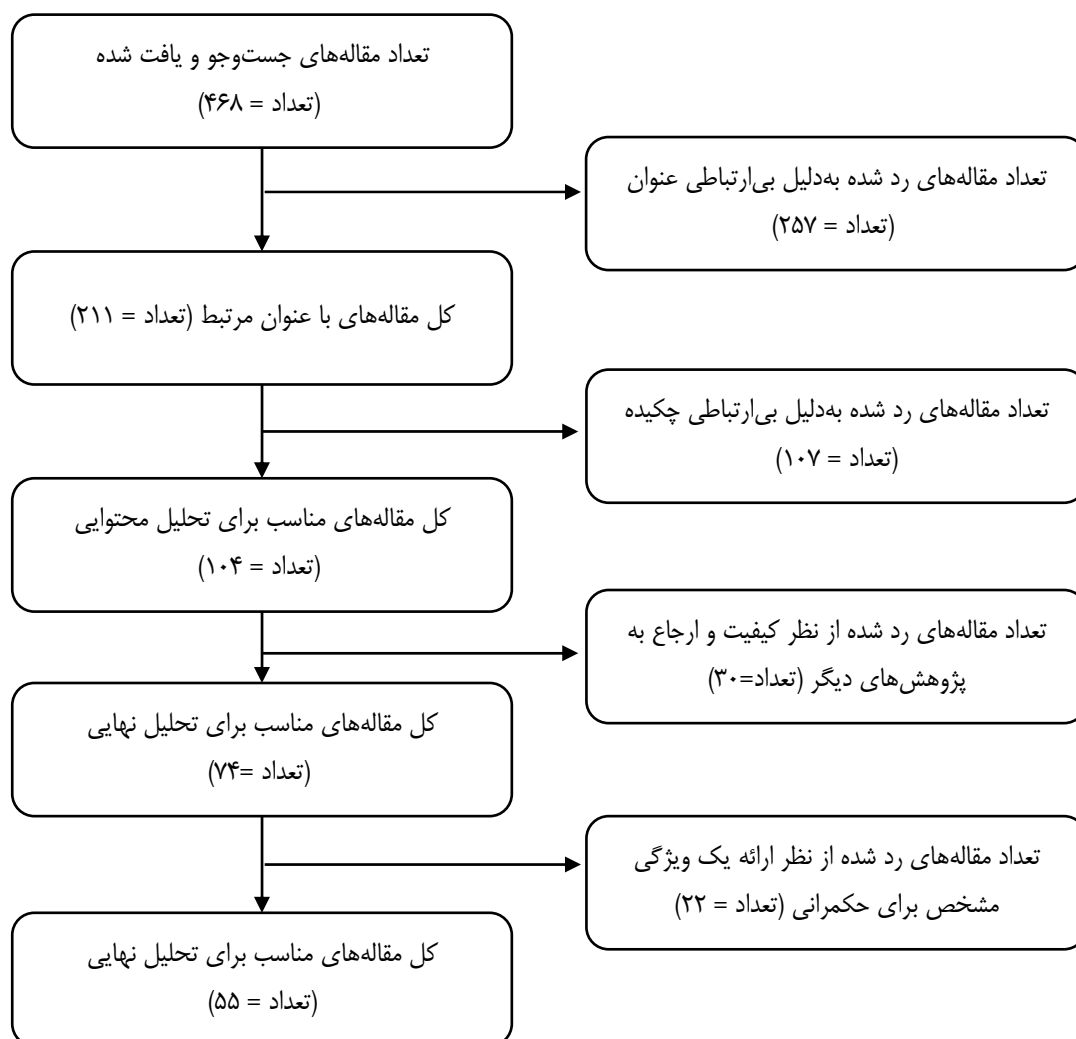
مرحله دوم: مرور نظام‌مند پیشنهادی

در این مرحله، روی مقاله‌ها و کتاب‌های منتشرشده جست‌وجوی نظام‌مندی انجام گرفت و از این طریق فهرستی از کلمات کلیدی مرتبط به دست آمد. در این پژوهش ترکیب عطفی Governance و Policy Network در نمایه استنادی Web of Science^۱ برای استخراج مقاله‌های مرتبط بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ استفاده شده است.

مرحله سوم: جست‌وجو و انتخاب مقاله‌های مناسب

همان‌طور که ذکر شد، در پایگاه داده Web of Science، ترکیب‌های مختلف دو عبارت اصلی «شبکه خط‌مشی» و «حکمرانی» در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها مستندات جست‌وجو شد تا از این راه بتوان ویژگی‌های مرتبط با حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی را از مجموعه مستندات که توسط این پایگاه ارائه می‌شود، انتخاب کرد. بر این اساس در ابتدا ۴۶۸ مقاله از ابتدای تاریخچه تا زمان انجام این تحقیق ارائه شد. در مرحله نخست تلاش شد مواردی که به‌طور کلی با اهداف پژوهش متفاوت بودند، حذف شود. شایان ذکر است، در پایان این مرحله تعداد مقاله‌های باقی‌مانده ۲۱۱ مقاله بود. با توجه به تمرکز روش فراترکیب بر منابع دست اول و مرتبطی که به‌طور مشخص به موضوع مد نظر پرداخته باشند، در این مرحله با بررسی دقیق‌تر چکیده مقاله‌ها، آنهایی که با هدف‌ها و پرسش‌های این تحقیق مرتبط نبودند، حذف شدند. گفتمانی است در این مرحله و به‌دنبال دستیابی به چکیده مقاله‌ها، مقاله‌هایی که به زبان انگلیسی نبودند و چکیده آنها در دسترس نبود نیز حذف شدند. به‌علاوه، مقاله‌هایی که تعداد ارجاعات آنها کم بود هم در این مرحله از مجموعه مقاله‌ها کنار گذاشته شدند. در پایان این مرحله، ۷۴ مقاله برای بررسی باقی ماند. این فرایند به‌شدت زمان‌بر بود، اما به محقق امکان داد که با اطمینان کافی از موضوعاتی که حین مرور مقاله‌ها و منابع کلیدی حوزه به آنها دست پیدا کرده بود، سخن به میان آورد و با مرور نظام‌مند به برخی از موضوعات مغفول مانده نیز دست یابد. در ادامه، مقاله‌هایی (۲۲ مقاله) که به ویژگی مشخصی از حکمرانی توجه نکرده بودند، با وجودی که از مراحل قبلی عبور کرده بودند، به‌دلیل بی‌ارتباط بودن با پرسش تحقیق، حذف شدند. در نهایت ۵۵ مقاله مبنای تحلیل قرار گرفت. شمای کلی فرایند طی شده در شکل ۲ نشان داده شده است.

۱. پایگاه وب آو ساینس نمایه‌ای استنادی است که توسط تامسون - روتترز ایجاد شده و امکان جست‌وجوی استنادی جامع و دسترسی به پایگاه داده‌های مختلف را فراهم می‌کند.



شکل ۲. خلاصه روش فراترکیب به کار گرفته شده

مرحله چهارم: استخراج نتایج

در ادامه روش فراترکیب، مقاله‌های انتخاب شده به منظور دستیابی به محتواهای برگزیده و مرتبط مطالعه شدند. با توجه به پرسش تحقیق مبتنی بر «ارائه طبقه‌بندی ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط‌مشی»، این ویژگی‌ها از متن مقاله‌ها استخراج شدند. شایان ذکر است، با مراجعه به متن کامل مقاله‌ها، تعداد معدودی از مقاله‌ها نیز با توجه به اینکه متن آنها به موضوع تحقیق ارتباطی نداشت، حذف شدند. در نهایت ویژگی‌های به دست آمده از ۵۵ مقاله به صورت جدول ۳ جمع‌بندی شده‌اند.

جدول ۳. ویژگی‌های استخراج‌شده از مقاله‌های نهایی

ویژگی‌ها (کدها)	عنوان مقاله
• هماهنگی	The role of policy networks in the coordination of the european union's economic and environmental interests
• حل مشکلات هماهنگی • توسعه روابط مبتنی بر اعتماد	Understanding what shapes a polycentric governance system
• هماهنگی در سطح اقتصاد سیاسی	Decentring policy networks: lessons and prospects
• تبادل اطلاعات، اعتماد و سایر منابع خط‌مشی • یادگیری متقابل • مشارکت مدنی	Decentring policy networks: a theoretical agenda
• بسیج منابع سیاسی • هماهنگی غیرسلسله‌مراتبی	Organizing babylon - on the different conceptions of policy networks
• اعتماد • مشروعیت	The governance of networks: heuristic or formal analysis? A reply to rachel parker
• مشروعیت	Metagovernance, network structure, and legitimacy: developing a heuristic for comparative governance analysis
• هماهنگی افقی • هماهنگی بین‌سازمانی • هماهنگی بوروکراتیک • تعاملات بازی‌گونه، دارای ریشه در اعتماد • ایجاد اهداف مشترک و فضای اعتماد • ایجاد فرصت‌های یکپارچه و هدفمند	Governing through institutionalised networks: the governance of sydney harbour
• هماهنگی بین صنعت و دولت	The multinational corporation and global governance: modelling global public policy networks
• قابلیت حکمرانی برای مسائل چندوجهی و بین منطقه‌ای • یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فضایی	Governance and transportation policy networks in the cross-border metropolitan region of luxembourg: a social network analysis
• مشارکت ذی‌نفعان در مقابله با مسائل خط‌مشی پیچیده • تصمیم‌گیری بر اساس اعتماد و روابط • بهبود دسترسی به اطلاعات و منابع • ارتقای مشروعیت • بهبود پذیرش خط‌مشی‌ها	The practice of water policy governance networks: an international comparative case study analysis
• هماهنگی خط‌مشی • مجموعه‌ای منسجم از هنجارها	Escaping the international governance dilemma? Incorporated transgovernmental networks in the european union
• هماهنگی خط‌مشی • اعتماد • اجماع بر سر هدف • رسیدگی به مسائل بین‌بخشی • فرایندهای شفاف تدوین خط‌مشی	A comparative analysis of nonprofit policy network governance in canada

ادامه جدول ۳

عنوان مقاله	ویژگی‌ها (کدها)
The politics of educational policy making under new labour: an illustration of shifts in public service governance	<ul style="list-style-type: none"> اعتماد متقابل
Policy networks in a Multi-level system: Convergence towards Moderate diversity?	<ul style="list-style-type: none"> همکاری میان همه نقش‌آفرینان ذی‌نفع فرایندهای یادگیری مشترک
Explaining governance outcomes: epistemology, network governance and policy network analysis	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی عمودی در راستای دولت - جامعه هماهنگی افقی در راستای یکپارچه‌سازی منافع
Analyzing collaborative governance through social network analysis: a case study of river management along the waal river in the netherlands	<ul style="list-style-type: none"> همکاری در مرزهای سازمانی هماهنگی بهتر بین سازمان‌ها مدیریت یکپارچه‌تر
Polycentric systems and interacting planetary boundaries - emerging governance of climate change-ocean acidification-marine biodiversity	<ul style="list-style-type: none"> به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات هماهنگی فعالیت‌ها حل تعارضات داخلی
Understanding the pre-conditions of commons governance: the role of network management	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد اعتماد برای ذی‌نفعان ایجاد سرمایه اجتماعی و فکری
Innovation and destination governance in denmark: tourism, policy networks and spatial development	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی مشارکت ذی‌نفعان
How policy networks can damage democratic health: a case study in the government of governance	<ul style="list-style-type: none"> ارتباط بین تعدادی از نقش‌آفرینان که اطمینان از تبادل اطلاعات، تخصص، اعتماد و سایر منابع خطمشی را ایجاد می‌کند.
Self-organizing governance of local economic development: informal policy networks and regional institutions	<ul style="list-style-type: none"> هنجارهای مشترک بین نقش‌آفرینان نهادی و اعتماد متقابل و روابط متقابل را ایجاد می‌کند.
The network structure of multilevel water resources governance in central america	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد اعتماد و هنجارهای مشترک تسهیل دسترسی به منابع مالی و مادی بهبود هماهنگی فراتر از مرزهای جغرافیایی و اداری
When do institutions, policy sectors, and cities matter? Comparing networks of local policy makers in britain and france	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی در محیط‌های پیچیده تصمیم‌گیری تسهیل یادگیری و همکاری در خطمشی
Managing networks in the public-sector - a theoretical-study of management strategies in policy networks	<ul style="list-style-type: none"> تحریک فرایندهای یادگیری
The impact of network management on outcomes in governance networks	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی اهداف و منافع مشارکت ذی‌نفعان و لنگرگاه دموکراتیک
Vertical politics in horizontal policy networks: framework setting as coupling arrangement	<ul style="list-style-type: none"> یادگیری متقابل
A new politics of governance or an old politics of centrallocal relations? Labour's reform of social housing tenancies in england	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی افقی یادگیری خطمشی
Urban governance and policy networks: on the urban political boundedness of policy networks. A french case study	<ul style="list-style-type: none"> هماهنگی افقی اعتماد یکپارچه‌سازی منافع مختلف

ادامه جدول ۳

عنوان مقاله	ویژگی‌ها (کدها)
Networks in public administration: current scholarship in review	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی میان نقش‌آفرینان و بخش‌های مختلف • اعتماد
Collaborative partnerships in complex institutional systems	<ul style="list-style-type: none"> • یادگیری اجتماعی • خلق اعتماد متقابل • هماهنگی میان نهادهای موجود • حل تعارضات ناشی از چندپارگی نهادی
Governing beyond the centre: a critique of the anglo-governance school	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی استراتژیک
One cheer for Jordan and Cairney: taking the governance literature seriously	<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌گذاری
Networks of adjacent action situations in polycentric governance	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی • حل اختلافات
The limitations of public management networks	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی افقی • یکپارچه‌سازی سیستم‌ها • یا انسجام اجتماعی • پایش مؤثر
Power and policy networks in urban governance: local government and property-led regeneration in Dublin	<ul style="list-style-type: none"> • توانمندسازی نقش‌آفرینان محلی
Modernizing government: mapping global public policy networks	<ul style="list-style-type: none"> • یادگیری خط‌مشی‌گرا • ایجاد اتحادها • به‌اشتراک‌گذاری گفتمان‌ها • ساختن دانش اجتماعی • توانمندسازی نقش‌آفرینان
High-capacity and low-capacity governance networks in welfare services delivery: a typology and empirical examination of the case of Israeli municipalities	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی اجتماعی • درگیر شدن نقش‌آفرینان غیردولتی به طور کامل‌تر در فرایند خط‌مشی‌های عمومی
Synapses in the network: learning in governance networks in the context of environmental management	<ul style="list-style-type: none"> • یادگیری (جمعی) • ایجاد اعتماد، هنجار و ارزش مشترک
Where do policy networks come from?	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی • کوتاه کردن زمان لازم برای تصمیم‌گیری • اجتناب از تعارضات • حجم اطلاعات بالا و بسیج دانش متنوع • روابط مبتنی بر اعتماد
A decade of treating networks seriously	<ul style="list-style-type: none"> • تمرکززدایی و هماهنگی افقی
Legitimacy in co-management: the impact of preexisting structures, social networks and governance strategies	<ul style="list-style-type: none"> • مشروعیت • هماهنگی • کاهش تعارضات • فعال‌سازی دارایی‌های ساختاری مانند اعتماد و سرمایه اجتماعی • یکپارچگی با سایر فرایندهای خط‌مشی • بهبود امکانات یادگیری

ادامه جدول ۳

ویژگی‌ها (کدها)	عنوان مقاله
<ul style="list-style-type: none"> • یادگیری اجتماعی • درجه اعتماد بیشتر • ایجاد هنجارهای تعاملات • ایجاد انجمن‌های غیررسمی که در آنها درباره تصمیم‌های مشترک و دسترسی به منابع بین ذی‌نفعان مذاکره می‌شود. 	Re-theorizing social network analysis and environmental governance: insights from human geography
<ul style="list-style-type: none"> • افزایش سطح کلی هماهنگی • یادگیری نحوه دسترسی به داده‌ها یا دریافت اطلاعات از شرکت‌کنندگان دیگر • مشارکت، انگیزه و ظرفیت اقدام مشترک 	Winners and losers in the ecology of games: network position, connectivity, and the benefits of collaborative governance regimes
<ul style="list-style-type: none"> • اعتماد • فرایندهای یادگیری • مشارکت‌های داوطلبانه • انعطاف‌پذیری ساختارهای نهادی 	A policy network approach to cross-border metropolitan governance: the cases of vienna and bratislava
<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی فعالیت‌ها و بنابراین جلوگیری از موازی‌کاری • تشویق یادگیری بین سازمانی • پاسخ‌گویی به مسائل در حال ظهور • افزایش مشروعیت حکمرانی 	Global governance as public policy networks and partnerships
<ul style="list-style-type: none"> • یکپارچه‌سازی منطقه‌ای • مشارکت (در تصمیم‌گیری) • کاهش تعارضات • یادگیری خط‌مشی • تبادل ایده‌ها، تخصص فنی و اطلاعات و ارتقای هنجارها و ارزش‌ها 	Twenty years of multi-level governance: "where does it come from? What is it? Where is it going?"
<ul style="list-style-type: none"> • حل بن‌بست‌های خط‌مشی نیازمند همکاری و هماهنگی • تقویت قدرت چانه‌زنی • هماهنگی رویکردهای خط‌مشی • تقویت اثربخشی نهادی • پیاده‌سازی بهتر خط‌مشی‌ها بهبود ظرفیت انطباق ذی‌نفعان مختلف • تولید و انتشار دانش 	Governments and policy networks: chances, risks, and a missing strategy
<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت گسترده ذی‌نفعان در طراحی و پیاده‌سازی خط‌مشی‌های عمومی 	Strengthening political leadership and policy innovation through the expansion of collaborative forms of governance

ادامه جدول ۳

عنوان مقاله	ویژگی‌ها (کدها)
Linking network structure to collaborative governance	<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت • مشروعیت • دانش متنوعی که می‌تواند خط‌مشی را بهبود بخشد. • کاهش هزینه‌های خارجی تصمیم‌گیری • ادغام بازخورد ذی‌نفعان • یادگرفتن همکاری • اشتراک منابع • ادغام انواع مختلف اطلاعات در تصمیم‌گیری
Governance structures for ecosystem-based adaptation: using policy-network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas	<ul style="list-style-type: none"> • ترویج اعتماد و رفتار همکاریانه
A framework for assessing the performance of policy networks	<ul style="list-style-type: none"> • تغییر سیستم‌های تعاملات • توانمندسازی ذی‌نفعان • ایجاد روابط جدید • مشروعیت • پاسخ‌گویی
Conceptual combinations: multilevel governance and policy networks	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی • یادگیری جمعی
Network structure and governance performance: what makes a difference?	<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگی از طریق به‌اشتراک‌گذاری متقابل دانش

مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی

در روش فراترکیب، مضامین یا تم‌هایی^۱ جست‌وجو می‌شود که در مطالعات موجود در فراترکیب پدیدار شده‌اند. بدین منظور، ابتدا تم‌ها یا موضوعاتی را شناسایی و مشخص کرده و پس از اینکه موضوعات مشخص شدند، یک طبقه‌بندی موضوعی را شکل داده و موضوعات مشابه را ذیل موضوعی قرار می‌دهد که آن را به‌بهترین نحو ممکن توصیف می‌کند که به آنها مقوله گفته می‌شود. پس از حصول نتایج برای تأیید اعتبار، با دو نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی و سه نفر از افراد کلیدی یکی از سازمان‌های خط‌مشی‌گذار مصاحبه‌هایی انجام شد. مبنای انتخاب، در دسترس بودن خبرگان مد نظر، برای اساتید دانشگاه، چاپ مقاله معتبر در زمینه تحقیق و در خصوص مدیران، داشتن حداقل سه سال سابقه مدیریتی بوده است. همچنین، همان‌طور که در بخش روش تحقیق توضیح داده شد، برای ارزیابی پایایی پژوهش، از ضریب کاپا استفاده شده است. در این پژوهش، شاخص کاپا ۰/۷ است که نشان دهنده توافق بالا بین دو مرورگر و پایایی قابل قبول است. چارچوب استخراج‌شده در جدول ۴ نشان داده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این مقاله، ابتدا تمام شاخص‌های استخراج‌شده از مطالعات به‌عنوان کد در نظر گرفته شده (جدول ۳)، سپس بر مبنای مفاهیم کدها، کدهای مشابه در یک مفهوم واحد (تم‌های تحقیق) دسته‌بندی شد و در ادامه نیز از ترکیب تم‌های تحقیق، مقوله‌ها حاصل شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. دسته‌بندی ویژگی‌های استخراج‌شده از مقاله‌ها

دسته اصلی (مقولات)	دسته فرعی (مضامین)	منابع
ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی	هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی	آدله، جردن و بنسون ^۱ (۲۰۱۵)، براردو و لوبل ^۲ (۲۰۱۶)، پور و ریچاردز ^۳ (۲۰۰۹)، بورزل (۱۹۹۸)، داوکینز و کولباخ ^۴ (۲۰۰۶)، دتوماسی ^۵ (۲۰۰۷)، فاوست و دوبجرگ ^۶ (۲۰۱۲)، فلیرووئت، گیرلینگ، موسترت و اسمیتس ^۷ (۲۰۱۶)، هالکیر ^۸ (۲۰۱۴)، هیلین و لوبل ^۹ (۲۰۱۸)، جان و کول ^{۱۰} (۲۰۰۰)، لافین ^{۱۱} (۲۰۱۳)، لوگالس ^{۱۲} (۲۰۰۱)، لسی و همکاران (۲۰۱۴)، لوبل ^{۱۳} (۲۰۱۵)، مارینتو ^{۱۴} (۲۰۰۳)، مک‌گینیس ^{۱۵} (۲۰۱۱)، مک‌گویر و آگرانوف ^{۱۶} (۲۰۱۱)، منهام و استین ^{۱۷} (۲۰۱۳)، راب ^{۱۸} (۲۰۰۲)، رابینسون ^{۱۹} (۲۰۰۶)، سنداستروم، کرونا و بودین ^{۲۰} (۲۰۱۴)، اسکات و توماس ^{۲۱} (۲۰۱۷)، استیتس ^{۲۲} (۲۰۰۹)، دلاس ^{۲۳} (۲۰۱۲)، وارلی ^{۲۴} (۲۰۰۵) و یی ^{۲۵} (۲۰۱۸)
	انسجام و یکپارچگی	ایرلین و نیومن ^{۲۶} (۲۰۰۸)، ایلسون ^{۲۷} (۲۰۱۷)، گالاز، کرونا، اوستربلوم، اولسون و فولک ^{۲۸} (۲۰۱۲)، دوئری و دکوویل ^{۲۹} (۲۰۱۶)، فلیرووئت، گیرلینگ، موسترت، اسمیتس ^{۳۰} (۲۰۱۶)، کلیجن، استیجن، ایدلبوس ^{۳۱} (۲۰۱۰) و مک‌گویر و آگرانوف (۲۰۱۱)
	حل تعارضات و اختلافات	گالاز و همکاران (۲۰۱۲)، لوبل (۲۰۱۴)، مک‌گینیس (۲۰۱۱)، راب (۲۰۰۲)، سنداستروم و همکاران (۲۰۱۴) و استنسون ^{۳۲} (۲۰۱۳)
تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت	گسترش و تقویت ارتباطات	ووئت، ون‌دورن و دو رینک ^{۳۳} (۲۰۰۸)، مکنات و پال ^{۳۴} (۲۰۱۱)، هاوکینز، هو و فیوک ^{۳۵} (۲۰۱۶)، جان بریان و استلا ^{۳۶} (۲۰۰۷)

1. Adelle, Jordan & Benson
3. Bevir & Richards
5. Detomasi
7. Geerling & Smits
9. Hileman & Lubell
11. Laffin
13. Lubell
15. McGinnis
17. Menahem & Stein
19. Robinson
21. Scott & Thomas
23. Dellas et. al
25. Yi
27. Elson
29. Dörry & Decoville
31. Klijin, Steijn & Edelenbos
33. Voets, Van Dooren & De Rynck
35. Hawkins, Hu & Feiock

2. Berardo & Lubell
4. Dawkins & Colebatch
6. Fawcett & Daugbjerg
8. Halkier
10. John & Cole
12. Le Gales
14. Marinetto
16. McGuire & Agranoff
18. Raab
20. Sandström, Crona & Bodin
22. Steets
24. Warleigh
26. Eberlein & Newman
28. Galaz, Crona, Österblom, Olsson & Folke
30. Fliervoet, Geerling, Mostert & Smits
32. Stephenson
34. McNutt & Pal
36. Brian & Stella

ادامه جدول ۴

منابع	دسته فرعی (مضامین)	دسته اصلی (مقولات)
براردو و لوبل (۲۰۱۶)، پور (۲۰۰۹)، کریستوپولوس ^۱ (۲۰۰۸)، داوکینز و کولباخ (۲۰۰۶)، ابرهارد، مارگروم، ولا، مایر و تیلور ^۲ (۲۰۱۷)، اِلسون (۲۰۱۷)، اکسلی ^۳ (۲۰۱۲)، نویگ و همکاران (۲۰۱۰)، گرین وی، سالتر و هارت (۲۰۰۷)، هاوکینز و همکاران (۲۰۱۶)، لوگالس (۲۰۰۱)، لسی و همکاران (۲۰۱۴)، لوبل (۲۰۱۴)، راب (۲۰۰۲)، سنداستروم و همکاران (۲۰۱۴)، اسکات (۲۰۱۵)، سوهن و گیفینگر ^۴ (۲۰۱۵)، ویگنولا، مک‌دانلیزو شولز ^۵ (۲۰۱۳)، وارلی (۲۰۰۵) و نویگ و همکاران (۲۰۱۰)	ایجاد اعتماد میان نقش‌آفرینان مختلف	تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت
پور (۲۰۰۹)، ابرهارد و همکاران (۲۰۱۷)، فالکنر ^۶ (۲۰۰۰)، هالکیر (۲۰۱۴)، کلیجن و همکاران (۲۰۱۰)، مارش و مک‌کفری ^۷ (۲۰۱۵)، مک‌گیرک ^۸ (۲۰۰۰)، مک‌نات و پال (۲۰۱۱)، منهام و استین (۲۰۱۳)، اسکات و توماس (۲۰۱۷)، سوهن و گیفینگر (۲۰۱۵)، استفنسسون (۲۰۱۳)، تورفینگ و آنسل ^۹ (۲۰۱۷)، اولیباری و اسکات ^{۱۰} (۲۰۱۷)، ووئت و همکاران (۲۰۰۸) و اسکات (۲۰۱۵)	توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان	
داوکینز و کولباخ (۲۰۰۶)، ایرلین و نیومن (۲۰۰۸)، اِلسون (۲۰۱۷)، هاوکینز و همکاران (۲۰۱۶)، هیلمن و لوبل (۲۰۱۸)، لوگالس (۲۰۰۱)، نویگ و همکاران (۲۰۱۰) و اسکات ^{۱۱} (۲۰۱۵)	ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک	
پور (۲۰۰۹)، ابرهارد و همکاران (۲۰۱۷)، گالاز و همکاران (۲۰۱۲)، گرین وی و همکاران (۲۰۰۷)، مک‌نات و پال (۲۰۱۱)، راب (۲۰۰۲)، اسکات و توماس (۲۰۱۷)، استیتس (۲۰۰۹)، استفنسسون (۲۰۱۳)، دلاس و همکاران (۲۰۱۲)، اولیباری و اسکات (۲۰۱۷) و نویگ و همکاران (۲۰۱۰)	تسهیل انتشار دانش	افزایش یادگیری خطمشی
پور و ریچاردز (۲۰۰۹)، فالکنر (۲۰۰۰)، جان و کول (۲۰۰۰)، کلیجن و همکاران (۱۹۹۵)، کوپنجان، کارس و ون‌دروورت ^{۱۲} (۲۰۰۹)، لافین (۲۰۱۳)، لوبل (۲۰۱۴)، مک‌نات و پال (۲۰۱۱)، نویگ و همکاران (۲۰۱۰)، سنداستروم و همکاران (۲۰۱۴)، اسکات (۲۰۱۵)، سوهن و گیفینگر (۲۰۱۵)، استیتس (۲۰۰۹)، استفنسسون (۲۰۱۳) و اولیباری و اسکات (۲۰۱۷)	بهبود فرایندهای یادگیری خطمشی	
ووئت و همکاران (۲۰۰۸)، اولیباری و اسکات (۲۰۱۷)، استیتس (۲۰۰۹)، سنداستروم و همکاران (۲۰۱۴)، دوبرجگ و فاوست ^{۱۳} (۲۰۱۷)، کریستوپولوس (۲۰۰۸) و ابرهارد و همکاران (۲۰۱۷)	مشروعیت‌بخشی	تسهیل پیاده‌سازی خطمشی‌ها
استرک و دلاس (۲۰۱۲)، ابرهارد و همکاران (۲۰۱۷)، بورزل (۱۹۹۸)	جلب حمایت و پذیرش ذی‌نفعان مختلف	

1. Christopoulos

3. Exley

5. Vignola, McDaniels & Scholz

7. Marsh & McCaffrie

9. Torfing & Ansell

11. Scot

13. Daugbjerg & Fawcett

2. Eberhard, Margerum, Vella, Mayere & Taylor

4. Sohn & Giffinger

6. Falkner

8. McGuirk

10. Ulibarri & Scott

12. Koppenjan, Kars & Voort

از بین مقوله‌های استخراج‌شده با این روش، «ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی»، بین منابع بیشترین اشاره را داشته است. پس از آن، در منابع به‌ترتیب به موضوع «تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت» و «افزایش یادگیری خطمشی» توجه شده است. همچنین با بررسی مضامین مشخص شد که به‌ترتیب به «هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی»، «ایجاد اعتماد میان نقش‌آفرینان مختلف»، «توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان» و «بهبود فرایندهای یادگیری خطمشی» بیشتر از سایر مضامین در ادبیات توجه شده است. می‌توان چنین برداشت کرد که از دید محققان این حوزه، مسئله هماهنگی در سطوح و اشکال مختلف از مهم‌ترین مسائلی بوده که به توسعه رویکردهای جدید به حکمرانی منجر شده است. همچنین، از آنجا که ایجاد و مانایی این هماهنگی به شکل‌گیری اعتماد نیاز دارد، رویکردهای جدید حکمرانی و به‌طور خاص حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی، افزایش اعتماد میان نقش‌آفرینان مختلف را نیز مد نظر قرار داده‌اند. این هماهنگی، اعتماد و مشارکت در نهایت توانسته به بهبود یادگیری خطمشی منجر شود و به‌کارگیری شبکه‌های خطمشی در حکمرانی را واجد اهمیتی دوچندان سازد. بر اساس یافته‌های تحقیق، بحث در خصوص چهار دسته کلی شناسایی‌شده انجام می‌گیرد. در این بخش با ارائه توضیحات مختصری پیرامون هر یک از مضامین، آشنایی بیشتری با مقوله‌های احصاشده صورت می‌گیرد.

مقوله نخست: ارتقای هماهنگی، انسجام و یکپارچگی

برخلاف انواع سلسله‌مراتبی حکمرانی که بسته و صلب هستند، اشکال شبکه‌ای حکمرانی، باز و منعطف هستند که این امر هماهنگی بیشتر بدون استفاده از دستور و کنترل را ممکن می‌سازد. بر این اساس، هماهنگی افقی، عمودی و سیاسی؛ انسجام و یکپارچگی و حل تعارضات و اختلافات از ویژگی‌هایی هستند که در ادبیات در این دسته قرار گرفته‌اند. در ادبیات، به هماهنگی افقی به‌معنای هماهنگی بین دپارتمان‌های هم‌سطح درگیر در تدوین یا پیاده‌سازی خطمشی، هماهنگی عمودی به‌معنای هماهنگی بین دپارتمان‌های درگیر در تدوین یا دپارتمان‌های درگیر در پیاده‌سازی خطمشی و هماهنگی سیاسی به‌معنای هماهنگی میان نظام کلان سیاسی با حوزه خطمشی هدف توجه شده است. انسجام و یکپارچگی خطمشی در اغلب منابع ناظر به محتوای خطمشی‌ها و هم‌خوانی میان آنها بوده و ثبات درونی آمیخته‌های خطمشی را مد نظر قرار می‌دهد. انسجام افقی به‌معنای هم‌سانی میان یک پیاده‌سازی با سایر خطمشی‌های هم‌ارز بوده و انسجام عمودی نیز به هم‌سانی میان یک خطمشی با خطمشی‌های کلان‌تر که از نظر حوزه خطمشی یکسان تلقی می‌شوند، اشاره می‌کند. در نهایت، ویژگی دیگری که برای این نوع از حکمرانی به آن توجه شده است، حداقل کردن تضادهای سیاسی و اداری است که به کاهش تعارضات و اختلافات و حل آنها منجر می‌شود.

مقوله دوم: تقویت ارتباطات، ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت

حذف موانع ارتباطی افقی و عمودی و شکل‌گیری ارتباطات از یک سو و ایجاد اعتماد و افزایش مشارکت از سوی دیگر ویژگی‌هایی هستند که در ادبیات مطرح شده‌اند. اگرچه این ویژگی‌ها به‌طور کلی کیفیت خطمشی‌گذاری در تمام حوزه‌ها را بهبود می‌بخشند، به طور خاص برای حوزه‌های پیچیده و اقتضانات جامعه جهانی که تحول در حوزه‌های خطمشی

سرعت بسیار زیادی دارد، این ویژگی می‌تواند بسیاری از اصطکاک‌های موجود را از میان بردارد و با جلوگیری از موازی‌کاری، زمان برخی از گام‌های خطمشی‌گذاری را کاهش دهند. ایجاد اعتماد میان نقش‌آفرینان مختلف، توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان و ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک سه مضمونی بوده‌اند که ذیل این مقوله در منابع شناسایی شدند. ایجاد اعتماد و افزایش سرمایه‌های اجتماعی در خرده نظام خطمشی در این مقوله بیشترین توجهات را به خود اختصاص داده است. بعد از آن توانمند شدن و مشارکت ذی‌نفعان به‌عنوان مزیت این رویکرد بر شمرده شده است. در نهایت، ایجاد اهداف، هنجارها و ارزش‌های مشترک مضمونی بود که هم‌راستا با افزایش مشارکت و اعتماد میان نقش‌آفرینان، در این شیوه از حکمرانی مورد انتظار است.

مقوله سوم: افزایش یادگیری خطمشی

یادگیری، ابزاری برای تغییر پایدار است که از تجربه حاصل می‌شود. این تغییر معمولاً در قالب پاسخ متفاوت به رفتار محرک‌های مشابه قبلی مفهوم سازی می‌شود. به یادگیری خطمشی با تعابیر متعددی در منابع توجه شده است. یادگیری جمعی، مفهومی کلیدی برای یادگیری خطمشی است؛ به این معنا که رویکرد شبکه‌های خطمشی به حکمرانی، ضمن تحریک و ایجاد فرایندهای یادگیری جمعی بین نقش‌آفرینان مختلف، می‌تواند فرایندهای غیربهمینه موجود را نیز تقویت کند. بر این اساس، منابع، به یادگیری در دو مرحله تدوین خطمشی‌ها و پیاده‌سازی خطمشی‌ها، بیشترین اشاره را داشته‌اند که بیشتر تمرکز بر شبکه‌های خطمشی درگیر در پیاده‌سازی خطمشی‌ها بوده است. بر این اساس، تغییرات خطمشی به‌طور عمده ناشی از پیاده‌سازی خطمشی‌هاست و یادگیری نیز عمدتاً از طریق تغییرات خطمشی رخ می‌دهد. مفهوم اساسی دیگر در این مقوله، انتشار دانش است. با توجه به تسهیل ارتباطات و اعتماد (مضمون دوم) ایجادشده بهبود وضعیت انتشار دانش در میان نقش‌آفرینان مختلف در این رویکرد به حکمرانی دور از انتظار نیست.

مقوله چهارم: تسهیل پیاده‌سازی خطمشی‌ها

مشروعیت‌بخشی به خطمشی‌ها یکی از مهم‌ترین گام‌های فرایند خطمشی‌گذاری عمومی است. شبکه‌ای بودن، مشروعیت خطمشی‌های اتخاذشده را در میان اعضای خرده نظام خطمشی افزایش داده و شرایطی فراهم می‌کند تا ذی‌نفعان مختلف در تمامی مراحل به‌ویژه در رابطه با خروجی‌ها و دستاوردهای خطمشی پذیرش داشته و از آن حمایت کنند. ادبیات به این موضوع، به‌ویژه در مرحله پیاده‌سازی خطمشی‌ها بسیار تأکید کرده است. به‌طور کلی همکاری و حمایت سایر اجزای یک نظام سیاسی موضوعی است که پیاده‌سازی مناسب خطمشی‌ها به آن وابسته بوده و موجب می‌شود ضمن رفع موانع، این موضوع تسهیل شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در بررسی انجام‌شده مشخص شد که محققان مؤلفه‌های مختلفی را به‌عنوان ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی بر شمرده‌اند. برخی بر موضوع هماهنگی در ساختار و محتوای خطمشی‌ها و در سطوح مختلف متمرکز بوده و

آن را محرک اصلی گسترش این رویکرد می‌دانند. برخی دیگر از منابع از دیدگاه ایجاد اعتماد و مشارکت ذی‌نفعان به این رویکرد پرداخته و عامل ترویج آن را ضرورت ایجاد سرمایه اجتماعی می‌دانند. حل تعارضات و جلب حمایت‌های سیاسی نیز موضوع دیگری بوده که به‌عنوان محرک گسترش این رویکرد در ادبیات موضوع به آن توجه شده است. در نهایت اهمیت مقوله یادگیری در فضای حکمرانی و ماهیت توزیعی دانش میان ذی‌نفعان مختلف به توجه به این رویکرد منجر شده است. از منابعی که بررسی به‌نسبت جامعی به ابعاد این رویکرد از حکمرانی داشته است، می‌توان به مطالعات ووئث و همکاران (۲۰۰۸) و اولیاری و اسکات (۲۰۱۷) اشاره کرد. در منبع نخست، تسهیل پیاده‌سازی خطمشی‌ها با ایجاد تغییر در سیستم‌های تعاملات میان آنها، مشارکت ذی‌نفعان خطمشی‌ها، مشروعیت خطمشی‌ها، پاسخ‌گویی، توانمندسازی اعضای شبکه، کاهش هزینه‌های هماهنگی و ایجاد روابط جدید مواردی بوده‌اند که به آنها توجه شده و برخی از موارد احصاشده در جدول ۴ که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مقوله یادگیری خطمشی اشاره کرد، مغفول مانده است. در منبع دوم، به اعتماد و تعهد میان ذی‌نفعان در راستای اجتناب از تعارضات، مشارکت ذی‌نفعان، مشروعیت، خلق دانش متنوع برای بهبود خطمشی‌ها، کاهش هزینه‌های تصمیم‌گیری، بازخورد ذی‌نفعان و ادغام انواع مختلف اطلاعات در تصمیم‌گیری اشاره شده است. در این منبع نیز برخی از ابعاد مهم و در رأس آنها هماهنگی ساختار خطمشی و انسجام در محتوای خطمشی و مفاهیم مرتبط با آنها مغفول مانده است. بنابراین، هیچ یک از این دو مقاله نتوانسته‌اند تمامی ویژگی‌ها را پوشش دهند و در مقایسه با ویژگی‌هایی که این مقاله ارائه کرده است، جامعیت کمتری دارند. البته این موضوع با توجه به نگاه کل‌نگر فرایند انجام فراترکیب که خروجی یکپارچه و جامعی ارائه می‌کند، طبیعی است. به این معنا که به‌کارگیری این روش، به‌دلیل نظام‌مند و فراگیر بودن آن می‌تواند ابعادی از موضوع را ارائه دهد که پژوهش‌های منفرد با توجه به رویکرد اتخاذشده و سوگیری به‌سمت یک مسئله خاص به‌طور طبیعی از آن غافل خواهند ماند. با پیاده‌سازی این روش، ویژگی‌هایی متعددی که برای حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی متصور است، به دست آمده و در قالب چارچوبی دارای چهار مقوله و یازده مضمون ارائه شدند. این چارچوب می‌تواند برای ارزیابی وضعیت حکمرانی از طریق شبکه‌های خطمشی یا توصیف آن در یک حوزه خطمشی استفاده شود. همچنین، توجه به دو بعد کمتر بررسی‌شده در ادبیات یعنی افزایش یادگیری خطمشی و تسهیل پیاده‌سازی خطمشی‌ها نیز می‌تواند مبنای پژوهش‌های آتی قرار گیرد. از مهم‌ترین محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به عدم وزن‌دهی مقولات و مضامین و در نتیجه ابعاد چارچوب ارائه‌شده در جدول ۴ اشاره کرد. به این معنا که این ویژگی‌ها به‌طور لزوم از اهمیت یکسانی برخوردار نبوده و همچنین با توجه به حوزه خطمشی و ویژگی‌های شبکه‌های خطمشی، ابعاد متفاوتی اهمیت پیدا می‌کنند. این مسئله هم به‌لحاظ توصیف شبکه‌های خطمشی موجود و هم تجویز راهکارهای بهبود حکمرانی و حرکت به‌سمت این رویکردهای جدید می‌تواند به‌دلیل در نظر نگرفتن مسئله زمینه^۱، دقت پژوهش‌ها را کاهش دهد.

منابع

- تسلیمی، محمد سعید؛ علیپور، میثم (۱۳۹۸). رویکردهای استعدادپژوهی در خط‌مشی‌های نخبگانی کشور. مدیریت دولتی، ۱۱ (۱)، ۱۲۲-۱۵۰.
- حاجی‌پور، بهمن؛ مومنی، علیرضا؛ طیبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین (۱۳۹۵). فراترکیب عوامل موفقیت تجاری سازی محصولات با فناوری پیشرفته. مدیریت نوآوری، ۵ (۴)، ۱۹-۵۴.
- دباغ، سروش؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب. مدیریت دولتی، ۱ (۳)، ۳-۱۸.
- دقتی، عادل؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کمالیان، امین رضا؛ دهقانی، مسعود (۱۳۹۸). ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب. مدیریت دولتی، ۱۱ (۲)، ۲۰۳-۲۳۰.
- سالارزهی، حبیب‌اله؛ ابراهیم‌پور، حبیب. (۱۳۹۱). بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب. مدیریت دولتی، ۴ (۹)، ۴۳-۶۲.
- سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا (۱۳۹۷). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران. مدیریت دولتی، ۱۰ (۱)، ۳۰-۱.
- سهرابی، بابک؛ خلیلی جعفرآباد، احمد؛ رودی، امیر (۲۰۱۸). کشف ویژگی‌های حوزه‌های تحقیقاتی نوظهور با استفاده از روش فراترکیب. سیاست علم و فناوری، ۹ (۴)، ۱۵-۳۰.
- قلی‌پور، رحمت‌اله؛ دانایی فرد، حسن؛ عطاردی، محمدرضا؛ امیری، علی‌نقی (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی پدیده شکاف خط‌مشی در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۸۱، ۹۱-۱۲۵.
- محسنی‌کیاسری، مصطفی؛ محمدی، مهدی؛ جعفرنژاد، احمد؛ مختارزاده، نیما؛ اسدی‌فرد، رضا (۱۳۹۶). دسته‌بندی ابزارهای سیاست نوآوری تقاضامحور با استفاده از رویکرد فراترکیب. مدیریت نوآوری، ۶ (۲)، ۱۰۹-۱۳۸.

References

- Adelle, C., Jordan, A., & Benson, D. (2015). The role of policy networks in the coordination of the European Union's economic and environmental interests: The case of EU mercury policy. *Journal of European Integration*, 37 (4), 471-489.
- Berardo, R., & Lubell, M. (2016). Understanding what shapes a polycentric governance system. *Public Administration Review*, 76 (5), 738-751.
- Bevir, M. (2008). *Key Concepts in Governance*. Sage Publishing.
- Bevir, M., & Richards, D. (2009). Decentring policy networks: A theoretical agenda. *Public administration*, 87 (1), 3-14.
- Borrás, S. (2008). *The widening and deepening of innovation policy: what conditions provide for effective governance?* Georgia Institute of Technology. Available in: <https://core.ac.uk/reader/6625502>.

- Börzel, T. (1997). What's so special about policy networks? An exploration of the concept and its usefulness in studying European governance. *European Integration online Papers (EIoP)*, 1 (16).
- Börzel, T. A. (1998). Organizing Babylon-On the different conceptions of policy networks. *Public administration*, 76 (2), 253-273.
- Christopoulos, D. C. (2008). The governance of networks: Heuristic or formal analysis? A reply to Rachel Parker. *Political Studies*, 56 (2), 475-481.
- Conteh, C. (2009). Network governance of private sector development policy implementation in Singapore. *Asian Journal of Political Science*, 17(1), 71-88.
- Cunningham, P., & Ramlogan, R. (2012). The effects of innovation network policies. *Manchester Institute of Innovation Research, Manchester Business School, University of Manchester*.
- Dabbagh, S., Nafari, N. (2009). Explanation of Goodness Concept in Good Governance. *Journal of Public Administration*, 1(3), 3-18. (in Persian)
- Damgaard, B. (2006). Do policy networks lead to network governing? *Public Administration*, 84(3), 673-691.
- Daugbjerg, C., & Fawcett, P. (2017). Metagovernance, network structure, and legitimacy: Developing a heuristic for comparative governance analysis. *Administration & Society*, 49 (9), 1223-1245.
- Dawkins, J., & Colebatch, H. K. (2006). Governing through institutionalised networks: the governance of Sydney Harbour. *Land Use Policy*, 23 (3), 333-343.
- Deghati, A., Yaghoubi, N., Kamalian, A., Dehghani, M. (2019). Presenting a Phased Development Pattern of Network Governance Using a Meta-synthesis Approach. *Journal of Public Administration*, 11(2), 203-230. (in Persian)
- Dellas, E. D., Streck, C., Wijen, F., Zoeteman, K., Pieters, J., & Van Seters, P. (2012). Governments and policy networks: Chances, risks, and a missing strategy. *A Handbook of Globalisation and Environmental Policy*, 510-548.
- Detomasi, D. A. (2007). The multinational corporation and global governance: Modelling global public policy networks. *Journal of business ethics*, 71 (3), 321-334.
- Dörny, S., & Decoville, A. (2016). Governance and transportation policy networks in the cross-border metropolitan region of Luxembourg: A social network analysis. *European Urban and Regional Studies*, 23 (1), 69-85.
- Eberhard, R., Margerum, R., Vella, K., Mayere, S., & Taylor, B. (2017). The practice of water policy governance networks: An international comparative case study analysis. *Society & Natural Resources*, 30 (4), 453-470.

- Eberlein, B., & Newman, A. L. (2008). Escaping the international governance dilemma? Incorporated transgovernmental networks in the European Union. *Governance*, 21 (1), 25-52.
- Elson, P. (2015). A comparative analysis of nonprofit policy network governance in Canada. *Canadian journal of nonprofit and social economy research*, 6 (2).
- Exley, S. (2012). The politics of educational policy making under New Labour: an illustration of shifts in public service governance. *Policy & Politics*, 40 (2), 227-244.
- Falkner, G. (2000). Policy networks in a multi-level system: Convergence towards moderate diversity? *West European Politics*, 23 (4), 94-120.
- Fawcett, P., & Daugbjerg, C. (2012). Explaining governance outcomes: Epistemology, network governance and policy network analysis. *Political Studies Review*, 10 (2), 195-207.
- Fliervoet, J. M., Geerling, G. W., Mostert, E., & Smits, A. J. M. (2016). Analyzing collaborative governance through social network analysis: a case study of river management along the Waal River in The Netherlands. *Environmental management*, 57 (2), 355-367.
- Galaz, V., Crona, B., Österblom, H., Olsson, P., & Folke, C. (2012). Polycentric systems and interacting planetary boundaries—Emerging governance of climate change—ocean acidification—marine biodiversity. *Ecological Economics*, 81, 21-32.
- Gholipour, R., Danaeefard, H., Amiri, A. N., & Atarodi, M. R. (2015). Conceptualizing Policy Gap Phenomena in Cultural Policy Making Process. *Majlis and Rahbord*, 22 (81), 91-125. (in Persian)
- Goldsmith, S., & Eggers, W. D. (2005). *Governing by network: The new shape of the public sector*. Brookings Institution Press.
- Greenaway, J., Salter, B., & Hart, S. (2007). How policy networks can damage democratic health: A case study in the government of governance. *Public administration*, 85(3), 717-738.
- Hajipour, B., Motameni, A., Tayebi Abolhasani, A. (2017). Meta-synthesis of success factors for commercialize of products with advanced technology. *Innovation Management Journal*, 5 (4), 19-54. (in Persian)
- Halkier, H. (2014). Innovation and destination governance in Denmark: Tourism, policy networks and spatial development. *European Planning Studies*, 22 (8), 1659-1670.
- Hawkins, C. V., Hu, Q., & Feiock, R. C. (2016). Self-organizing governance of local economic development: Informal policy networks and regional institutions. *Journal of Urban Affairs*, 38 (5), 643-660.
- Hileman, J., & Lubell, M. (2018). The network structure of multilevel water resources governance in Central America. *Ecology and Society*, 23 (2), 371-390.

- John, P., & Cole, A. (2000). When do institutions, policy sectors, and cities matter? Comparing networks of local policy makers in Britain and France. *Comparative political studies*, 33 (2), 248-268.
- Kapucu, N., Hu, Q., & Khosa, S. (2017). The state of network research in public administration. *Administration & Society*, 49(8), 1087-1120.
- Keast, R., Mandell, M., & Brown, K. (2006). Mixing state, market and network governance modes: the role of government in "crowded" policy domains. *International Journal of Organization Theory & Behavior*, 9 (1), 27-50.
- Klijin, E. H., Koppenjan, J., & Termeer, K. (1995). Managing networks in the public sector: a theoretical study of management strategies in policy networks. *Public administration*, 73 (3), 437-454.
- Klijin, E. H., Steijn, B., & Edelenbos, J. (2010). The impact of network management on outcomes in governance networks. *Public administration*, 88 (4), 1063-1082.
- Koppenjan, J., & Klijin, E. H. (2015). *Governance networks in the public sector*. Routledge.
- Koppenjan, J., Kars, M., & Voort, H. V. D. (2009). Vertical politics in horizontal policy networks: Framework setting as coupling arrangement. *Policy Studies Journal*, 37 (4), 769-792.
- Laffin, M. (2013). A new politics of governance or an old politics of central-local relations? Labour's reform of social housing tenancies in England. *Public Administration*, 91 (1), 195-210.
- Le Galès, P. (2001). Urban governance and policy networks: on the urban political boundedness of policy networks. A French case study. *Public administration*, 79 (1), 167-184.
- Lecy, J. D., Mergel, I. A., & Schmitz, H. P. (2014). Networks in public administration: current scholarship in review. *Public Management Review*, 16 (5), 643-665.
- Lubell, M. (2015). Collaborative partnerships in complex institutional systems. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 12, 41-47.
- Marinetto, M. (2003). Governing beyond the centre: A critique of the Anglo-governance school. *Political studies*, 51 (3), 592-608.
- Marsh, D., & McCaffrie, B. (2015). One cheer for Jordan and Cairney: Taking the governance literature seriously. *British Politics*, 10 (4), 475-485.
- Mayntz, R. (1993). Modernization and the logic of interorganizational networks. *Knowledge and Policy*, 6(1), 3-16.
- McGinnis, M. D. (2011). Networks of adjacent action situations in polycentric governance. *Policy Studies Journal*, 39 (1), 51-78.
- McGuire, M., & Agranoff, R. (2011). The limitations of public management networks. *Public Administration*, 89 (2), 265-284.

- McGuirk, P. M. (2000). Power and policy networks in urban governance: local government and property-led regeneration in Dublin. *Urban studies*, 37 (4), 651-672.
- McNutt, K., & Pal, L. A. (2011). Modernizing government: Mapping global public policy networks. *Governance*, 24 (3), 439-467.
- Meier, K. J., & O'Toole Jr, L. J. (2003). Public management and educational performance: The impact of managerial networking. *Public administration review*, 63(6), 689-699.
- Menahem, G., & Stein, R. (2013). High-Capacity and Low-Capacity Governance Networks in Welfare Services Delivery: A Typology and Empirical Examination of the Case of Israeli Municipalities. *Public Administration*, 91 (1), 211-231.
- Mohseni Kiasari, M., Mohammadi, M., Jafarnejad, A., Garousi Mokhtarzadeh, N., Asadifard, R. (2017). Classification of Demand-based Innovation Policy Tools Using Meta-synthesis Approach. *Innovation Management Journal*, 6 (2), 109-138. (in Persian)
- Newig, J., Günther, D., & Pahl-Wostl, C. (2010). Synapses in the network: learning in governance networks in the context of environmental management. *Ecology and Society*, 15 (4).
- Noblit, G. W., & Hare, R. D. (1988). *Meta-ethnography: Synthesizing qualitative studies* (Vol. 11). Sage.
- Raab, J. (2002). Where do policy networks come from? *Journal of Public Administration Research and Theory*, 12 (4), 581-622.
- Raab, J. (2019). Powell (1990): Neither Market nor Hierarchy: Network Forms of Organization. In *Schlüsselwerke der Netzwerkforschung* (pp. 461-463). Springer VS, Wiesbaden.
- Rhodes, R. A. (1997). *Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability*. Open University press.
- Rhodes, R. A. W. (1996). The new governance: governing without government. *Political studies*, 44 (4), 652-667.
- Rickne, A., Læstadius, S., & Etzkowitz, H. (Eds.). (2012). *Innovation governance in an open economy: Shaping regional nodes in a globalized world*. Routledge.
- Robinson, S. E. (2006). A decade of treating networks seriously. *Policy Studies Journal*, 34 (4), 589-598.
- Salarzahi, H., Ebrahimpour, H. (2012). Paradigms of Public Administration: From Traditional Public Administration to Good Governance. *Journal of Public Administration*, 4(9), 43-62. (in Persian)
- Salazar, M., & Holbrook, A. (2007). Canadian science, technology and innovation policy: the product of regional networking? *Regional Studies*, 41 (8), 1129-1141.

- Salimi, J., Maknoon, R. (2018). Qualitative Meta-analysis of Scientific Researches Concerning the Issue of Governance in Iran. *Journal of Public Administration*, 10(1), 1-30. (in Persian)
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
- Sandström, A., Crona, B., & Bodin, Ö. (2014). Legitimacy in co-management: The impact of preexisting structures, social networks and governance strategies. *Environmental Policy and Governance*, 24 (1), 60-76.
- Scott, M. (2015). Re-theorizing social network analysis and environmental governance: Insights from human geography. *Progress in Human Geography*, 39 (4), 449-463.
- Scott, T. A., & Thomas, C. W. (2017). Winners and losers in the ecology of games: Network position, connectivity, and the benefits of collaborative governance regimes. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 27 (4), 647-660.
- Sohn, C., & Giffinger, R. (2015). A policy network approach to cross-border metropolitan governance: The cases of Vienna and Bratislava. *European Planning Studies*, 23 (6), 1187-1208.
- Sohrabi, B., Khalili Jafaraabd, A., & Roodi, A. (2018). Discover the Properties of Emerging Research Areas Using Meta-Synthesis Method. *Journal of Science & Technology Policy*, 9 (4), 15-30. (in Persian)
- Sørensen, E., & Torfing, J. (Eds.). (2016). *Theories of democratic network governance*. Springer.
- Steets, J. (2009). Global governance as public policy networks and partnerships. In *Palgrave Advances in Global Governance* (pp. 123-138). Palgrave Macmillan, London.
- Stephenson, P. (2013). Twenty years of multi-level governance: 'Where does it come from? What is it? Where is it going?' *Journal of European public policy*, 20 (6), 817-837.
- Taslimi, M., Alipour, M. (2019). Talent Research Approaches in I. R. Iran's Talent Policies. *Journal of Public Administration*, 11(1), 123-150. (in Persian)
- Thorne, S., Jensen, L., Kearney, M. H., Noblit, G., & Sandelowski, M. (2004). Qualitative metasynthesis: reflections on methodological orientation and ideological agenda. *Qualitative health research*, 14(10), 1342-1365.
- Torfing, J., & Ansell, C. (2017). Strengthening political leadership and policy innovation through the expansion of collaborative forms of governance. *Public Management Review*, 19 (1), 37-54.
- Tübke, A., Ducatel, K., Gavigan, J., Moncada-Paterno-Castello, P. I. E. T. R. O., SMITS, R., ZWECK, A., ... & HUT, A. S. (2001). Strategic policy intelligence: Current trends, the state of play and perspectives. *IPTS, Seville*.

- Ulibarri, N., & Scott, T. A. (2016). Linking network structure to collaborative governance. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 27 (1), 163-181.
- Vignola, R., McDaniels, T. L., & Scholz, R. W. (2013). Governance structures for ecosystem-based adaptation: Using policy-network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas. *Environmental science & policy*, 31, 71-84.
- Voets, J., Van Dooren, W., & De Rynck, F. (2008). A framework for assessing the performance of policy networks. *Public management review*, 10 (6), 773-790.
- Walsh, D., & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: a literature review. *Journal of advanced nursing*, 50 (2), 204-211.
- Warleigh, A. (2006). Conceptual combinations: multilevel governance and policy networks. In *Palgrave Advances in European Union Studies* (pp. 77-95). Palgrave Macmillan, London.
- Yang, K. (2007). Responsiveness in network governance: Revisiting a fundamental concept: Symposium introduction. *Public performance & management review*, 31 (2), 131-143.
- Yi, H. (2018). Network Structure and Governance Performance: What Makes a Difference? *Public Administration Review*, 78 (2), 195-205.